

## حقیقت دیگری نیست



زینب کاظم‌خواه

خبرنگار گروه فرهنگ

«سرزمین دیگری نیست» برای بهترین مستند، برنده اسکار امسال شد. یک لحظه پیروز منداانه برای سینما و جامعه فلسطین و اسرائیل؛ نمونه‌ای نادر که در آن هنرمندان هر دو جامعه با هم در صحنه جهانی ایستادند تا برای فیلمی که با هم ساختند، تحسین شوند. اما همه جشن نمی‌گرفتند. استقبال از این فیلم به تصویری از مبارزه‌ای تبدیل شد که فیلم به دنبال مستندسازی آن است. وزیر فرهنگ اسرائیل از برنده شدن اسکار اصلاً خوشحال نبود و آن را به‌عنوان «لحظه‌ای غم‌انگیز برای دنیای سینما» یاد کرد. این فیلم، تخریب و مجموعه‌ای از تلاش‌های آوازی اجباری در منطقه کرانه باختری به‌نام مسافر یطاز سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ را مستندی می‌کند که از زاویه دید فلسطینی‌هایی که توسط شهرک‌نشینان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و خانه‌هایشان توسط ارتش اسرائیل ویران شده است، روایت می‌شود. این فیلم، داستانی در دل داستان دیگر است؛ دوفیلمساز اسرائیلی و فلسطینی. ارزش‌های این فیلم چه به‌لحاظ احساسی، چه روایی خیلی زود مشخص شد: این فیلم برنده جایزه مستند برلینالده در سال ۲۰۲۴ شد. اما موفقیت این فیلم با

واکنش‌های منفی زیادی روبه‌رو شد. باسل آدر، فیلمساز فلسطینی هنگام دریافت جایزه‌اش در برلین، از آلمان خواست صادرات تسلیحات به اسرائیل را متوقف کند. همکار یهودی اسرائیلی او، یووال آبراهام، تفاوت‌های فاحش زندگی آن‌ها را برجسته کرد و گفت: «وقتی آن‌ها به خانه بازمی‌گردند، دوباره با واقعیت‌های نابرابری روبه‌رو می‌شوند، یکی این است که آقای آبراهام آزادانه سفر می‌کند اما آقای آدر با محدودیت‌هایی در رفت‌وآمد مواجه است.» آبراهام این وضعیت را یک سیستم آپارتاید توصیف کرد که خشم رسانه‌های اسرائیلی و نگرانی متحدان آلمان را برانگیخت. قبل از این که آن‌ها به خاورمیانه برگردند، آبراهام با تهدیدات مرگ مواجه شد، خانواده‌اش با اذیت و آزار روبه‌رو شدند و دسته‌ای از اوباش، خانه‌ی خانواده‌اش را محاصره کردند. تهدیدات در نهایت از بین رفت، اما حتی در حال حاضر فیلم قرارداد پخش آنلاین یا پخش در سینماها در ایالات متحده آمریکا را ندارد. در مراسم اسکار، سازندگان فیلم کاری عجیب‌وغریب نکردند و فقط آنچه واقعاً اتفاق افتاده بیان کردند؛ اینکه این فیلم، واقعیت تلخی را که فلسطینی‌ها دهه‌ها تحمل کرده‌اند منعکس می‌کند. آبراهام گفت: «ما در ژیمی زندگی می‌کنیم که من طبق قوانین غیرنظامی آزاد هستم و باسل تحت قوانین نظامی قرار دارد. نمی‌بینید که مادر هم تنیده‌ایم؟ این‌ها فقط تحت‌تأثیر تصویر قدرتمند این فیلمسازان که مجسمه‌های طلایی خود را کنار هم نگه داشتند، قرار نگرفتند. یکروز پس از اسکار، وزیر فرهنگ اسرائیل، میکی زوهار، نامه‌ای به موسسات فرهنگی و سینمایی که توسط این وزارتخانه تأمین مالی می‌شوند ارسال کرد و از آنها خواست که فیلم را نمایش ندهند. وزیر گفت: «سرزمین دیگری نیست» دلیلی بر این است که بودجه عمومی نباید از محتوایی حمایت کند که «در خدمت دشمنان دولت است»، او منظورش این بود که بودجه عمومی برای تلویزیون و سینما نباید صرف پروژه‌های ضد اسرائیلی شود، اما نکته جالب‌توجه این بود که این فیلم حتی یک ریال هم بودجه عمومی دریافت نکرده بود. اما موفقیت آن، به‌رغم مخالفت دولت اسرائیل، سیستمی را برجسته می‌کند که خاموش کردن مخالفان را بر عهده می‌گیرد تا آن‌ها ترحیم می‌دهد. این الگودر اسرائیل رایج است: یک مقام دولتی خشم خود را ابراز می‌کند و به زودی گروه‌های افراطی و تأثیرگذاران فراملی‌گرا این پیام را تقویت می‌کنند که منجر به موجی از محتوا در رسانه‌های اجتماعی می‌شود. دیدگاه آدر معتبر، صمیمی و البته ناامیدانه است. مبارزه او برای نجات دهکده‌اش از نابودی، تئوریک و نمادین نیست، بلکه فیزیکی و فوری است. در واقع مدت کوتاهی پس از بازگشت او از مراسم اسکار، او داستان دیگری از حمله شهرک‌نشینان به یک روستای فلسطینی در کرانه باختری را در اینستاگرام منتشر کرد. سیاست‌های دولت اسرائیل به‌دنبال این است که فلسطینیان را محو کند و متحدان اسرائیلی آن‌ها را خائن معرفی کند. تأثیر این موضع فراتر از خاورمیانه احساس می‌شود. «سرزمین دیگری نیست»، چیزی بیش از یک فیلم است. این فیلم یک بیانیه قدرتمند و یک چالش است.

## NO OTHER LAND



را پاس بداریم، اما دانشگاه تنها به تجربه نوروز بسنده نمی‌کند؛ آن را می‌فهمد، مفهوم‌سازی می‌کند و زبانی می‌آفریند تا از طریق آن، با زبان نوروزی با یکدیگر تعامل کنیم. این زبان، ساختارهای عاطفی و شناختی ما را عینیت می‌بخشد تا انسان‌های پراکنده، احساس همبستگی و یگانگی کنند؛ یگانگی‌ای که در آن تبعیض جایی ندارد.

### از تقلیل نوروز به ریزیم

نوروز، آیینی فرادینی است که همه ادیان را در بر می‌گیرد. نوروز، آیینی فرازبانی است که همه گویش‌ها و زبان‌ها را در خود دارد. نوروز، آیینی فراقومی متشکل از همه اقوام و گروه‌هاست و به یک نسبت امکان اندیشیدن و زیستن را برای همه‌مان فراهم می‌کند. ما باید این مفهوم بزرگ نوروز را، که هشت هزار سال چون قلعه دماوند، دریاچه ارومیه، دریای خزر و تمام زیبایی‌های عالم به ما به ارث رسیده است، متناسب با مسائل امروزمان بازتعریف کنیم. این راهی است که می‌توانیم پارادوکس نوروزی را حل کنیم. اگر این کار را انجام ندهیم و تنها به نشستن اکتفا کنیم، اگر نخوانیم، ننویسیم، نیاندیشیم و گفت‌وگو نکنیم، یقین بدانید نتیجه سازنده‌ای نخواهیم گرفت. اگر نوروز را به تجربه مصرف و مصرف‌گرایی تقلیل دهیم، اگر نوروز را به آرمانی سیاسی فروبکاهیم، اگر از آن ابزاری برای هیجان‌خواهی‌های گذرا بسازیم، اگر شادی را به «شادی پایدار» نفهمیم و اگر نوروز را صرفاً به بازار و خرید تصور کنیم، این تقلیل‌گرایی‌ها نوروز را به آتشی بدل خواهد کرد که سرزمین ما را به نابودی می‌کشاند. باید نوروز را با دقت بنگریم و از تقلیل آن به بازار یا فولکلور پرهیز کنیم.

### نوروز، آیین ساختن است

استاد فقید داریوش شایگان، سال‌ها پیش در کتاب «آسیا در برابر غرب» چنین شرحی داد و خطر را گوشزد کرد. او هشدار داد که آیین‌های ایرانی در معرض تقلیل به امری فولکلوریک‌اند. فولکلور نه به‌معنای علم فولکلور، بلکه به‌صورت ابژه‌هایی مرده که گویی زمانی بوده‌اند و اکنون نیستند و تنها باید مانند ابژه‌های باستان‌شناختی تماشایشان کرد و گفت: چه زیبا بوده‌اند قدیم‌ها. این نگاه، نگاهی خطرناک است که ما را از فرهنگ، زبان و منابع تاریخی‌مان گسیخته می‌کند. نوروز زنده است و در برابر چشم‌مان، در عاطفه، احساس و زبان ما جریان دارد. نوروز، فولکلور نیست. ما دیگر نمی‌توانیم نوروز را صرفاً با گردآوری رسوم و آیین‌های آن در اینجا و آنجا پاس بداریم. نوروز را به مراسمات تقلیل ندهیم. آیین نوروز، آیین ارتباط و اندیشه است. به تعبیر امیل دورکهایم، آیین‌ها زندگی جدی‌اند. نوروز را به بازیگوشی و مصرف فرو نکاهیم. نوروز، آیین ساختن جامعه و انسان است. نوروز آیین است؛ آیین ارتباطات جدی و خلاق، آیین انسجام است. منظور از شادی نوروزی، شادمانی‌ای است که از مواجهه جدی ما با هستی، زیر چتر نوروز، برقرار می‌شود. از جدیت نوروز نباید کاست. دستکم دانشگاه چنین نکند.

دانشگاه نوروزی دانشگاهی است که نوروز را نه به‌عنوان مراسم، بلکه به‌مثابه آیین می‌نگرد. دانشگاه نوروزی دانشگاهی است که دانشجویان، رشته‌های درسی، استادان و سازمان خود را بر پایه آیینی استوار می‌سازند که در آن تعارض میان مولفه‌های فرهنگ دینی، فرهنگ ملی و فرهنگ مدرن پدید نمی‌آید. چنین دانشگاهی می‌کوشد تا شکاف‌های موجود را پُر کند تا انسان‌هایی یکپارچه و شجاع با نیروی خلاقه بتوانند بیالند بچوشند، بخروشند و بیافرینند. در غیر این صورت، زندگی تپاه خواهد شد. اگر نسل‌های آینده نتوانند ببینند که ما چنین کرده‌ایم، نفرین‌مان خواهند کرد.

دوست بدانند. جای تأسف است که در سرزمینی زندگی کنید و گروهی به شما به‌جرم این علاقه، حمله کنند و به‌سان یک متهم پان‌ایرانیست خطاب‌تان کنند. یعنی چه؟ این سخنان بی‌معنا را از کجا آورده‌اید؟ مردمی که در خاک خویش زندگی می‌کنند، حق دارند این خاک را دوست بدانند و در آن ریشه دوانند. این حق وجودی است، نه حقی کاذب یا سیاسی؛ بلکه حق اگزیتانسی انسان ایرانی در هر جای جهان است.

بنابراین دانشگاه نوروزی، دانشگاهی است که بتواند شور و شمع را -که اصلی‌ترین سرمایه زندگی خلاق، شجاعت و پرسشگری است- در فرزندان خود، دانشجویان و دانشگاهیان‌ش پرورش دهد. دانشگاه نوروزی، دانشگاهی است که به ما بینش نوروزی عطا کند؛ بینشی مبتنی بر اعتدال، هماهنگی و توازن میان انسان و طبیعت؛ بینشی بر پایه شادی، آزادی و انسانیت و بینشی استوار بر معنویت دنیوی. نوروز سرشار از اخلاق است و تعارضی با هیچ دینی ندارد. پاس‌نداشتن نوروز، شما را به مجازات اخروی دچار نمی‌کند و پاداش اخروی به همراه ندارد، اما در همین جهان می‌توانید به اعتبار نوروز یاری‌گر، یادگیرنده و یادآور باشید. دانشگاه نوروزی، دانشگاهی است که درس یاری‌گری، یادگیری و یادآوری را می‌آموزد؛ یادآوری خوبی‌ها، زیبایی‌ها، عدالت، اعتدال، آزادی، انسانیت، عشق، خردمندی و نیکویی. اگر دانشگاه نوروزی پدید آید، فضایی خواهد بود برای یادگیری، یادآوری و یاری‌گری، با افقی به‌نام افق نوروزی؛ افقی که در آن اخلاق و فضیلت‌های انسانی مبنای تعاملات میان استاد و دانشجو، مدیریت و دانشکده، و دانشگاهیان با مردم و سرزمین خویش است. وظیفه ماست که از نوروز مفهوم‌سازی کنیم.

### نوروز مفهومی است که باید تجربه شود

نوروز تنها یک جشن نیست، بلکه مفهومی عمیق نیز هست. هشت هزار سال است که این مفهوم پابرجا مانده و شاید هیچ واژه‌ای پس از «ایران» به عظمت نوروز برای ما نباشد. نوروز، نامی دیگر برای ایران است و این واژه چند هزارساله را نباید تغییر دهیم. سیزده‌به‌روز روز طبیعت نیست، بلکه «سیزده‌بدر» است؛ نوروز، سال نو نیست، بلکه «نوروز» است؛ و چهارشنبه‌سوری، چهارشنبه آخر سال نیست، بلکه «چهارشنبه‌سوری» است. این نام‌ها طی قرن‌ها و هزاره‌ها از غربال ذهن، ضمیر، زبان و الگوهای شناختی ما عبور کرده‌اند. مغز انسان ایرانی و نورون‌های ما، نوروزی‌اند. نباید با این نام‌ها دستکاری کنیم یا با آن‌ها بازی کنیم.

از این پس، هیچ ایرانی نباید به خود اجازه دهد که سیزده‌بدر را روز طبیعت بنامد، زیرا سیزده‌بدر جشنی است که صرفاً یکی از کارکردهای آن، پاسداشت طبیعت است. همچنین هیچ‌کس نباید نوروز را سال نو بخواند؛ سال نو تنها یکی از جنبه‌های نوروز است و نوروز مجموعه‌ای وسیع از معانی را در بر می‌گیرد. به‌همین ترتیب چهارشنبه‌سوری را نباید چهارشنبه آخر سال نامید؛ چهارشنبه‌سوری نامی است برای جشنی باشکوه با ارزش‌ها و ویژگی‌های خاص خود. این موضوع درباره دیگر نام‌ها نیز صادق است. ما باید مفهوم نوروز را باز کنیم، آن را نظریه‌پردازی (تئوریزه) کنیم و امکانی فراهم آوریم برای سامان نوروزی، زندگی نوروزی، حکمرانی نوروزی، آموزش نوروزی، یادگیری نوروزی، نگارش نوروزی و خواندن نوروزی.

دانشگاه نوروزی، دانشگاهی است که مفهوم نوروز را درک می‌کند و امکان تازه‌ای برای زندگی نوروزی برای ایرانیان و نوروزیان در هر جای جهان فراهم می‌آورد. نوروز صرفاً یک تجربه نیست، بلکه مفهومی است که باید فهمیده شود. ما در ایران و در این خاک و در مکان‌ها و وضعیت‌های مختلف گرد هم می‌آییم تا تجربه نوروزی

### درخت دانایی و نیکویی بکاریم

دانشگاه چه نقشی می‌تواند در این زمینه ایفا کند؟ دانشگاه می‌تواند نقشی بسیار اثرگذار ایفا کند؛ هر یک از ما می‌توانیم به‌مثابه سلطان محمدهایی دانشگاهی باشیم و درختانی از دانایی، زیبایی و نیکویی بکاریم. این مزعه، سراسر نماد دانش و دانایی است و ما می‌توانیم از آن میوه‌هایی سازنده، آبادگر، آزادگر و شادی‌آفرین بچینیم. نخستین گام این است که بکشیم به پارادوکس نوروز و پارادوکس ایران، پایان دهیم. نمی‌توان ثروتمند فقیر بود؛ این موضوعی است که نیازمند تأمل جدی است. اولین اقدام اساسی، پذیرش این واقعیت است که برای پیشبرد جامعه و حل معما توسعه، به تفکر نیاز داریم. به‌قول داریوش شایگان، فیلسوف بزرگ ایران دوست، «فکر ملات اصلی پیوند دادن عناصر پراکنده است». ممکن است هزاران اقدام انجام دهیم، اما اگر فکر در کار نباشد، این تلاش‌ها به‌هم پیوند نمی‌یابند و پراکنده‌گی موجب بی‌حاصلی و بی‌ثمری می‌شود. بزرگ‌ترین وظیفه دانشگاه این است که اندیشه‌ورزی کند. من عنوان «نوروز نو» را از این‌رو برای کتابم برگزیده‌ام که نگاهی اندیشه‌ورزانه به نوروز امروز را دنبال کردم؛ این همان کاری است که همه ما باید انجام دهیم. دانشگاه باید در ادبیات، فلسفه، علوم اجتماعی، تاریخ و تمام شاخه‌های دانش بیاندیشد. این وظیفه دشوار است، اما گریزی از آن نیست.

### نوروز را دوباره ابداع کنیم

برای اندیشه‌ورزی، دانشگاه باید چگونه عمل کند؟ این را «دانشگاه نوروزی»، «نوروزی اندیشی» و «یادگیری نورزانه» می‌نامم. ما در دانشگاه باید «فکر مسئله‌محور» را دنبال کنیم. مسئله ایران، مسئله نوروز و مسئله دانشگاه باید در کانون توجه ما باشد. برای این منظور، باید دانشی گسترده از تاریخ، فلسفه، زبان‌شناسی، اسطوره‌شناسی و سایر علوم بیاموزیم تا بتوانیم مسائل خود را به‌درستی صورت‌بندی کنیم.

مسئله نوروز را باید از نو صورت‌بندی کنیم. از دانش عظیمی که نسل‌هایی چون ژاله آموزگار برای ما به ارمان آورده‌اند، باید برای «ابداع نوروز» در بستر بحران‌های امروزمان استفاده کنیم؛ از بحران‌های زیست‌محیطی گرفته تا ناپایداری سیاسی، بحران دموکراسی، بحران فرسایش سرمایه اجتماعی، بحران اقتصادی، فقر، تعارضات، تبعیض‌ها و چالش‌های دیگر. باید پاسخ‌هایی از دل صورت‌بندی نوروز برای این مسائل بیابیم. این کار شدنی است و من هم به‌قدر توان ناچیزم در کتاب «نوروز نو» کوشیده‌ام به آن پاسخ دهم.

دانشگاه نباید تنها به برگزاری جشن نوروز بسنده کند. جشن دانشگاه نوروزی، جشن اندیشه‌ورزی، مسئله‌محوری و یادگیری است. برای تحقق این هدف، ما نیازمند شوق و اشتیاقی هستیم که خود را دل‌سوز جامعه، طبیعت، فرهنگ، زبان و سرزمین خویش بدانیم. بدون انگیزه، علاقه و شوق نمی‌توان کاری کرد.

در دیدارم با سلطان محمد از او پرسیدم، چگونه توانسته میلیون‌ها درخت بکارد، آبیاری کند و به‌مدت ۲۵ سال مراقب‌شان باشد؟ گفت: «فرزدم، این علاقه بود که چنین کاری را به انجام رساند. من آن را انجام ندادم؛ این عشق بود که عمل کرد». ما باید در دانشگاه‌های خود، عشق و علاقه‌ی نوروزانه را گسترش دهیم. این به‌معنای شوینسیم یا پان‌ایرانیسم و اصطلاحاتی از این دست است که امروز ابداع شده‌اند، نیست. هر انسانی، در هر سرزمینی که زندگی می‌کند، به‌طور وجودی نیازمند علاقه به آن سرزمین است. این علاقه صرفاً سیاسی نیست.

### دوست داشتن وطن، حق اگزیتانسی است

با تأسلف باید گفت که امروزه برخی با به‌کارگیری واژگانی چون «پان‌ایرانیسم» و مفاهیمی که خود ساخته‌اند، به شوق، شور و شمع نسل‌های جوان‌تر هجوم می‌برند؛ نسل‌هایی که می‌خواهند سرزمین خویش را